

تحول در نظام سیاسی آپارتاید در آفریقای جنوبی و صلح‌سازی؛ بخشش یا انتقام (۱۹۸۹-۱۹۹۹)؟ (آموزه‌هایی برای جامعه ایران)

* فریده محمدعلی پور

** محمدولی مدرس

*** سیدصمد حسینی واسوکلایی

چکیده

سفیدپوستان از سال ۱۹۴۸ به مدت ۴۶ سال، نظام سیاسی مبتنی بر تبعیض نژادی را در آفریقای جنوبی بنیاد نهاد و پیوسته آن را بازتولید کردند. تغییر این نظام و گذار به نظم دموکراتیک طی سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۹ از رویدادهای

* استادیار رشته روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران
(fm.alipour@khu.ac.ir)

** استادیار رشته روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران
(mvmodarres@khu.ac.ir)

*** (نویسنده مسئول) دانش‌آموخته دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
(Samad_hosseini2005@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۱

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۸، صص ۱۶۵-۱۹۶

قابل تأمل رخ داده در دهه پایانی قرن بیستم است؛ درحالی که خشونت نهادینه در نظام آپارتاید، پایان‌ناپذیر به نظر می‌رسید، اما سیر تحولات و روی کار آمدن دو دولت دی‌کلرک^۱ (۱۹۹۴-۱۹۸۹) و نلسون ماندلا (۱۹۹۹-۱۹۹۴)، ضرورت صلح‌سازی در جامعه‌ای آسیب‌دیده و تشنه انتقام را آشکار کرد. پرسش اصلی این پژوهش این است که «چگونه صلح‌سازی با سازوکارهای عدالت انتقالی در این جامعه امکان‌پذیر شد؟» مقاله حاضر، در تبیین تحول سیاسی در آفریقای جنوبی، با استفاده از روش پژوهش توصیفی (تاریخی) و نیز بهره‌گیری از روش تبیینی همراه با کاربست نظریه «ساخت‌یابی» گیلدنر (تعامل ساختار-عاملیت)، بر این فرضیه تأکید دارد که صلح‌سازی در عدالت انتقالی (همزیستی پایدار پس از آشتی) از طریق برجسته‌سازی «بخشش به‌جای انتقام» به‌گذار از آپارتاید به دولت دموکراتیک در سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۸۹ منجر شد. یافته‌های پژوهش، نشان‌دهنده نقش‌آفرینی رهبران و نهادها، نوع عملکرد کمیسیون حقیقت و آشتی با اولویت جبران خسارت بر مجازات، و برگزیدن صلح پایدار به‌جای تحقق شکلی عدالت‌کیفری است. آموزه‌های این واکاوی برای ایران کنونی، تقویت روح مصالحه در زیست سیاسی و اجتماعی و به‌کارگیری شیوه‌های دموکراتیک رقابت و مشارکت، اصالت و تقدم داشتن «بخشش بر انتقام» در رفتار با مجرمان، ترجیح عدالت ترمیمی بر عدالت کیفری و مجازات‌های سختگیرانه، شکل‌گیری نظام حزبی و تشکیلات نیرومند جامعه مدنی و مدارای مذهبی در رویارویی با اقلیت‌های دینی و مذاهب اسلامی دیگر هستند.

واژگان کلیدی: آپارتاید، صلح‌سازی، عدالت انتقالی، نظم دموکراتیک، بخشش به‌جای انتقام، آفریقای جنوبی

1. Frederik Willem de Klerk

مقدمه

دولت در آفریقای جنوبی در فاصله زمانی ۱۹۸۹-۱۹۹۹ دچار تحول جدی شد. گذار از نظم غیرانسانی و غیراخلاقی آپارتاید به نظم دموکراتیک متضمن حقوق بشر و حاکمیت قانون، به گونه‌ای بود که تداوم و پایداری آن را تضمین کرد. صلح‌سازی طی دوره ده‌ساله انتقال، موجب پایداری و دوام چنین دگرگونی‌ای شده است. تبدیل شدن به یکی از الگوهای موفق توسعه و عضویت در گروه کشورهای جی بیست (بیست اقتصاد بزرگ دنیا) و بریکس (پنج قدرت نوظهور اقتصادی) ره‌آورد توسعه‌ای این گذار در سایه صلح‌سازی است (شیرزادی، ۱۳۹۶: ۳۸).

نخستین گام در شکل‌گیری نظام آپارتاید، پیروزی حزب ملی^۱ در انتخابات ۱۹۴۸ بود که در پی آن، *دانیل مالان*^۲ به نخست‌وزیری رسید. دولت مالان با انگیزه تضمین جدایی نژادی، سیاست رسمی «آپارتاید» را که ناظر بر برتری همه‌جانبه سفیدپوستان بود، پی‌ریزی کرد. پیروزی حزب ملی، فصل تازه‌ای از سرکوب و صورت وحشتناکی از تبعیض را بر بیش از هشتاد درصد جمعیت سیاه‌پوست اعمال کرد. همان‌گونه که رهبر حزب اعلام کرد: «شعار ما حفظ برتری نژاد سفید در آینده است. حتی اگر لازم باشد، از زور استفاده می‌کنیم» (باربر و بارات،^۳ ۱۹۹۰: ۲). دسترسی نابرابر به فرصت‌های زندگی، نقض نظام‌مند حقوق بشر، بی‌خانمانی، موج شدید سرکوب، شکنجه‌های الکترونیکی و زندانی کردن معترضان، قتل‌عام تظاهرکنندگان، ممنوعیت ازدواج غیرسفیدها با سفیدپوست‌ها، محرومیت از حقوق

-
1. National Party
 2. Malan
 3. Barber and Barratt

شهروندی و نداشتن نماینده در مجلس قانون‌گذاری، انزوا و تنهایی سیاه‌پوستان، امکانات عمومی جدا و فرسوده، و زندگی اجباری در اردوگاه‌های سیاه بدون دسترسی به آب سالم و فاضلاب، بخشی از این مناسبات نابرابر بوده است (پیام یونسکو، ۱۳۵۰: ۱۴).

نقطه آغاز مبارزات علیه چنین نظم ناعادلانه‌ای، قیام مردم «شارپ ویل»^۱ در سال ۱۹۶۰ بود که به مرگ ۶۹ نفر و در ادامه به زندانی شدن نلسون ماندلا در سال ۱۹۶۴ منتهی شد. شورش رخ داده در منطقه «سووتو»^۲، در سال ۱۹۷۶ با کشته شدن ۵۷۵ نفر، موجب گسترش و تداوم مبارزه همه‌جانبه با آپارتاید شد. تعداد کشته‌ها در خشونت‌های سیاسی تا سال ۱۹۸۵ به ۸۷۹ نفر رسید و ۳۹۰ فقره اعتصاب، که ۲۴۰ هزار کارگر در آن‌ها شرکت داشتند، در آفریقای جنوبی رخ داد. «جبهه متحد دموکراتیک» در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد با این هدف که: «ما خواهان حقوق خود هستیم؛ آن‌ها را اکنون و همین‌جا می‌خواهیم» (آکرمن و دووال^۳، ۲۰۰۰: ۳۴۸).

اعتراضات بین‌المللی و پوشش رسانه‌ای آن، بسیاری از کشورها، از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی را به تحریم آفریقای جنوبی ترغیب کرد؛ در نتیجه، مردم و بسیاری از دولتمردان سفیدپوست متقاعد شدند که قادر به تداوم روند موجود نیستند. جنبش ضدآپارتاید در سایه این حمایت، از برخی اقدامات جامعه بین‌المللی مانند تحریم دانشگاه‌ها و استادان، تحریم تیم‌های ورزشی آفریقای جنوبی در مسابقات جام جهانی فوتبال و المپیک، و جلوگیری از خروج پول از کشور، بهره برد. در نهایت، فشارهای بین‌المللی و داخلی، دولت را به این نتیجه رساند که به قول اف.دبلیو.دی کلرک، «زمان مذاکره فرارسیده است» (منوکین^۴، ۲۰۱۰: ۱۲).

سال ۱۹۸۹ در آفریقای جنوبی نقطه عطفی به‌شمار می‌آید؛ زیرا در حزب ملی، عده‌ای به رهبری دی‌کلرک علیه سیاست‌های تبعیض نژادی حاکم، به‌پا خاستند (بخشی، ۱۳۸۶: ۱۱). این جامعه از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۹، روندها و تحولاتی را پشت سر

1. Sharpeville
2. Soweto
3. Ackerman and DuVall
4. Ackerman and DuVall

گذاشت که طی آن، نظم دموکراتیک، جایگزین نظم نژادی آپارتاید شد؛ سیاست‌ها و اقداماتی که در این تحول نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند، از جمله اجرای سازوکارهای عدالت انتقالی، به چنین پویایی منتهی شدند. عدالت انتقالی به سبب از رهیافت‌های حقوقی و غیرحقوقی مربوط می‌شود که دولت‌ها از آن‌ها برای گذار از خشونت به صلح و ثبات بهره می‌گیرند. ارزش‌های عمومی دموکراتیک مانند: «حقوق مشروع، احترام متقابل، و رعایت قوانین بنیادین حقوق بشر» از جمله آن‌ها هستند (ذاکریان و عمادی، ۱۳۹۲: ۲۲۵). حال پرسش اساسی این است که چگونه صلح‌سازی با سازوکارهای عدالت انتقالی در این جامعه امکان‌پذیر شد؟

برخی مطالعات و پژوهش‌های خارجی انجام‌شده درباره تحول دولت در آفریقای جنوبی عبارتند از: نوشتارهای ایلپال گروس^۱ (۲۰۰۴)، پیچ‌آرتور^۲ (۲۰۰۹)، دیوید ای. کروکر^۳ (۲۰۰۰)، الکس جفری و میشلینا جاکالا^۴ (۲۰۱۵)، هلن اسکین لون و کلی میودل^۵ (۲۰۰۹)، جان الستر^۶ (۲۰۰۶)، پاتریشیا لاندی و مک گاورن^۷ (۲۰۰۸)، پل وان زیل^۸ (۱۹۹۹)، آندره لولینی^۹ (۲۰۱۱) و آیشه گیول کسکین زرن^{۱۰} (۲۰۱۴). البته پژوهشگران ایرانی، از جمله محسن پاک‌آیین (۱۳۷۲)، پیروز دوانی (۱۳۷۴)، محمود سریع‌القلم و دیگران (۱۳۸۵)، ولی‌الله محمدی نصرآبادی (۱۳۸۱) و (۱۳۸۳)، هوشنگ مقتدر (۱۳۴۸)، و معصومه نصیری (۱۳۸۳) نیز درباره تحولات آفریقای جنوبی، پژوهش‌هایی را انجام داده و به شکل مقاله منتشر کرده‌اند. تمایز و نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با ادبیات موجود، به کارگیری نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز برای تبیین موضوع مورد پژوهش است. ما در این پژوهش، درصدد

1. Gross
2. Arthur
3. Crocker
4. Jeffrey and Jakala
5. Scanlon and Muddell
6. Elster
7. Lundy and McGovern
8. van Zyl
9. Lolloni
10. Zeren

هستیم که صلح‌سازی و تحول دولت در آفریقای جنوبی را براساس نظریه ساخت‌یابی که از قدرت تبیین‌کنندگی بالاتری برخوردار است، واکاوی کنیم؛ کاری که پژوهشگران دیگر انجام نداده‌اند.

این پژوهش، در راستای علت‌یابی تحول دولت در آفریقای جنوبی، با کاربست نظریه «ساخت‌یابی» (تعامل ساختار-عاملیت) و الگوی مفهومی «عدالت انتقالی»، بر این فرض تأکید دارد که صلح‌سازی در عدالت انتقالی (همزیستی پایدار پس از آشتی) از طریق برجسته‌سازی راهبرد «بخشش به‌جای انتقام» به‌گذار از دولت آپارتاید به دولت دموکراتیک در فاصله زمانی (۱۹۸۹-۱۹۹۹) منجر شد.

۱. چارچوب نظری و تعریف مفاهیم

چارچوب نظری این پژوهش بر کاربست ترکیبی نظریه «ساخت‌یابی» گیدنز و الگوی مفهومی «عدالت انتقالی» استوار است؛ براین اساس، تلاش می‌کنیم نشان دهیم که «چگونه در هم‌کنشی ساختار-عاملیت و تکیه بر ارزش «صلح‌سازی در عدالت انتقالی» در فاصله زمانی (۱۹۸۹-۱۹۹۹) به شکل‌گیری دولت دموکراتیک در آفریقای جنوبی منتهی شده است». مهم‌ترین مفاهیم به‌کاررفته عبارتند از:

ساخت‌یابی^۱: اراده‌گرایی با محوریت کارگزار، نهادگرایی با محوریت ساختار، و ساخت‌یابی با محوریت برهم‌کنشی (عاملیت-ساختار) سه دسته نظریه تبیینی در نظریه کلان ساختار-کارگزار به‌شمار می‌آیند. ساخت‌یابی گیدنز با رویکرد بینابینی، در پی رفع محدودیت‌های دو دسته نخست بوده و قابل‌دفاع‌تر است (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۳۰۹). به‌نظر او: «هر بررسی پژوهشی‌ای در علوم اجتماعی یا تاریخ، باید کنش یا عاملیت را با ساختار مرتبط کند» (گیدنز، ۱۹۸۴: ۲۱۹).

کار مهم گیدنز، غلبه بر دوگانگی^۲ ساختار و عاملیت است. به‌نظر او، جامعه هم ساختار است و هم کنش. «ساختارهای اجتماعی عبارتند از: مجموعه کلی و یک‌باره ظاهرشونده‌ای از قواعد، نقش‌ها، روابط، و معانی که افراد در درون آن‌ها به‌دنبال آینده، به کمک اندیشه و عمل انسان‌ها، سازمان‌دهی، بازتولید، و متحول می‌شوند»

1. Structuration

2. Dualism

(لوید^۱، ۱۹۹۶: ۷۸). این انسان‌ها هستند که در طول زمان، ساختارها را خلق می‌کنند و مبتکر تحول در آن‌ها می‌شوند نه خود جامعه؛ بلکه، فعالیت‌ها و ابتکارات خلاقانه آن‌ها تابع محدودیت‌های اجتماعی است (فوزی، ۱۳۹۵: ۲۹-۲۸).

از این دیدگاه، ساختارهای اجتماعی، تنها واقعیت‌هایی محدودکننده نیستند، بلکه شرایط کنشی‌ای هستند که از طریق کنش اجتماعی بازتولید می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۰، ۳۱). گیدنز با فراگذری از سه سنت فکری هرمنوتیک، کارکردگرایی، و ساختارگرایی (کلیمینستر، ۱۹۹۹: ۱۱۵) کوشید ارتباط عاملیت و ساختار را به‌گونه‌ای متفاوت حل کند. «گیدنز» از «ساختار» به‌عنوان امری ازپیش‌موجود و نیز از دیدگاه مربوط به «عامل بودن» که ساختار را تنها در فرد محصور می‌بیند، دور می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۳۳). در شالوده‌شکنی این دو انگاره توسط گیدنز، ساختار یک جنبه توازن‌بخش و درعین‌حال محدودکننده است. وی از واژه «ویژگی‌های ساختاری»^۲ به جای «ساختار» استفاده می‌کند (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ۷۳).

عدالت انتقالی^۳: محرک اولیه گسترش واژه «عدالت انتقالی»، انتشار کتاب سه‌جلدی نیل‌کرتس در اواسط دهه ۱۹۹۰ بود. عدالت انتقالی، نه نوع خاصی از عدالت، بلکه رویکردی برای دستیابی به انواع عدالت، آن هم در دوره گذار از یک حکومت استبدادی یا حکومت‌های درگیر جنگ به حکومت دموکراتیک همراه با صلح پایدار در جوامعی است که گرفتار خشونت و بی‌عدالتی هستند. دوره انتقال، به‌دلیل تغییر ساختار یا سیاست‌های حکومت، دوره سرنوشت‌سازی است که اتخاذ خط‌مشی‌های ویژه در زمینه‌های مختلف را گریزناپذیر می‌کند (کریترز، ۱۹۹۵: یکس‌یکس‌آی‌یکس).

عدالت انتقالی، فرایندی است که جامعه جنایت‌زده به کمک آن از وضعیت ناگوار ناشی از نقض گسترده حقوق بشر به جامعه مبتنی بر حاکمیت قانون، حقوق بشر، نظام دموکراتیک، و صلح پایدار گذار می‌کند. در عدالت انتقالی بر سه ارزش عدالت، آشتی، و صلح پایدار تأکید می‌شود (ذاکریان و عمادی، ۱۳۹۲: ۲۲۴). سازوکارهای رسیدن به این اهداف عبارتند از: «دادگاه‌ها و تعقیبات کیفری داخلی و

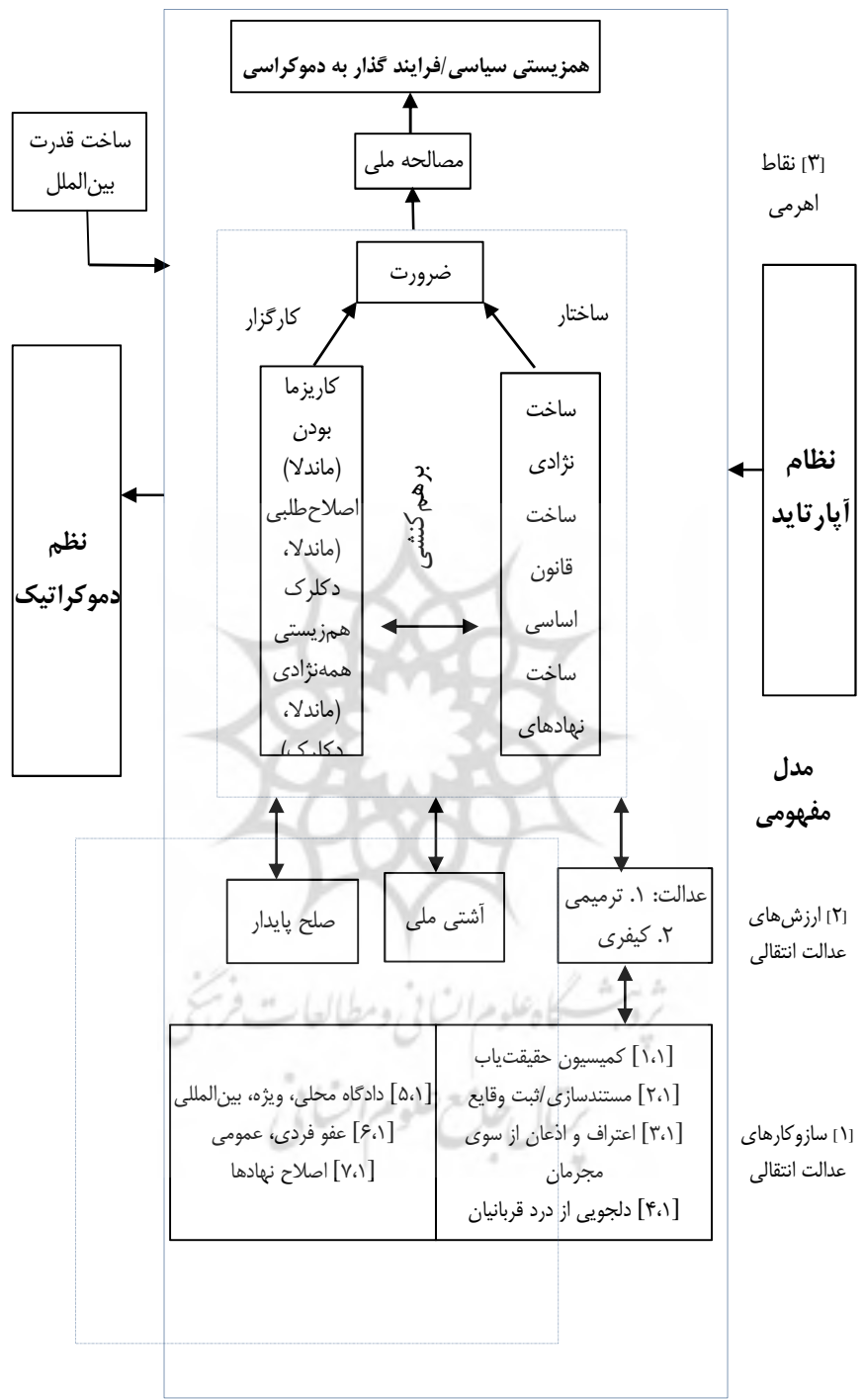
1. Loyd
2. Structural Properties
3. Transitional Justice

بین‌المللی، برنامه‌های جبران خسارت و پرداخت غرامت، اصلاحات نهادی، کمیسیون‌های حقیقت، به یادآوری، عفو انتخابی (مشروط یا عمومی)، بررسی صلاحیت‌ها، تطهیر و پاک‌سازی» است (کسکین زرن^۱، ۲۰۱۴: ۱۷).

صلح‌سازی^۲: مفهوم «صلح‌سازی، تأویل یکی از سه ارزش عدالت انتقالی به‌نام «صلح پایدار» است. این ارزش به‌مثابه فرایند احیای روابط اجتماعی در جامعه، در پی اصلاح و ترمیم روابط بین گروه‌های مخالف و پی‌ریزی نوع جدیدی از روابط شهروندان و دولت مبتنی بر حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و تأمین عدالت اجتماعی است» (سرآمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۹). صلح‌سازی به مفهوم ترکیبی از فعالیت‌های سیاسی و توسعه‌ای است که ریشه‌های منازعه را هدف قرار می‌دهد که شامل مجموعه اقداماتی است که هدف آن، جلوگیری از وقوع دوباره درگیری مسلحانه داخلی، مدیریت آن، و تداوم صلح پس از منازعه است (چگنی‌زاده و صحرائی، ۱۳۹۴: ۷۲). صلح‌سازی، عالی‌ترین ارزش «عدالت انتقالی» برای دستیابی به هم‌زیستی سیاسی-اجتماعی در جوامع پسا‌جنگ و پسااستبداد است و بر «عدالت کیفری» برتری دارد. صلح، فراتر از عدالت، بر «بخشش» استوار است؛ در واژه صلح، نوعی «ایثار» هدفمند نهفته است. تأکید بیش‌ازحد بر عدالت در قراردادهای، نه تنها اصل قرارداد و ناگزیر، صلح را تهدید می‌کند، بلکه مقدمات خشونت و جنگ را در ناخودآگاه افراد و جوامع بازتولید می‌کند. در نمودار شماره (۱)، پیوند سه عنصر اساسی نظری تبیین‌کننده موضوع موردپژوهش، به‌گونه‌ای نظام‌مند، نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Keskin Zeren
2. Peace-building



۲. فرایند صلح‌سازی در آفریقای جنوبی؛ گام‌های نخست (۱۹۹۹-۱۹۸۹)

آفریقای جنوبی^۱ دارای ۵۸ میلیون نفر جمعیت و یک میلیون و دویست و بیست و یک هزار کیلومتر مساحت است. موقعیت جغرافیایی، آب‌وهوای مناسب، و معادن غنی، باعث اقبال مهاجران اروپایی به این سرزمین شد (محمدی نصرآبادی، ۱۳۸۱: ۸۶). سیاست تبعیض نژادی در این کشور به‌طور رسمی از سال ۱۹۴۸ اعمال شد (دوانی، ۱۳۷۴: ۶۶۹)؛ موضوعی که دکتر ملان آن را «تضمین امنیت نژاد سفید و تمدن مسیحی با رعایت صداقتانه اصول آپارتاید و قیمومیت» توصیف کرد (کورتون، ۱۳۶۵: ۸۶). مهاجرت اجباری مردان سیاه‌پوست برای کار و اسکان اجباری در خوابگاه‌های مجردي، و سرپرستی فرزندان و سالمندان توسط زنان در مناطق روستایی از نمونه‌های دردآور این سیاست بوده است (نصیری، ۱۳۸۳: ۶۴).

پس از ۴۶ سال حاکمیت نظام نابرابر، اعمال فشارهای بین‌المللی و مبارزات داخلی، شرایط تغییر این نظام را رقم زد. تغییر از آشتی و صلح به آزادی و از آن به دموکراسی با فاصله اندکی در آفریقای جنوبی (موسوی‌نیا و طاهایی، ۱۳۹۷: ۱۲۹)، ما را به واکاوی رخدادهای منتهی به شکل‌گیری روند صلح‌سازی و گذار به دولت دموکراتیک در این کشور هدایت کرده است.

پیش از ماندلا، دی‌کلرک، نخستین فردی بود که فرایند صلح‌سازی و تحول دولت در آفریقای جنوبی را آغاز کرد. برپایهٔ چنین دست‌مایهٔ پژوهشی‌ای، فرایند صلح‌سازی در آفریقای جنوبی در دو دورهٔ پنج‌سالهٔ بازشناسی شده است. دورهٔ نخست به دوران ریاست‌جمهوری دی‌کلرک (۱۹۸۹-۱۹۹۴) مربوط می‌شود که بنیان‌گذاری صلح معطوف به آن است. در پنج‌سالهٔ دوم (۱۹۹۴-۱۹۹۹) که نخستین دولت وحدت ملی با موافقت همهٔ احزاب و گروه‌های سیاسی و مشارکت سه حزب اکثریت (کنگره ملی آفریقا، حزب ملی، و حزب آزادی اینگاتا) شکل گرفت، تحول کامل دولت از آپارتاید به دولت دموکراتیک به ریاست ماندلا پی‌جویی شد.

ادامهٔ بحث‌های این مقاله، ناظر بر تحلیل روندهای این دو دوره و پیوند آن‌ها با تحول دولت در آفریقای جنوبی با تکیه بر نظریه ساخت‌یابی (تعامل

ساختار-عاملیت) و الگوی مفهومی عدالت انتقالی است. مرور رویدادها نشان می‌دهد که عناصر تأثیرگذار بر فرایند تحول کنشگران عرصه سیاست و قدرت و همچنین، ویژگی‌های ساختاری، در تعاملی سازنده، به سوی برآیند مثبتی از این روند حرکت کرده‌اند.

۲-۱. بنیان‌گذاری صلح در دولت دکلرک (۱۹۹۹-۱۹۸۹)

گذار به دولت دموکراتیک در مدت معینی در درون نظام سیاسی آفریقای جنوبی رخ داده است. دموکراسی‌سازی با پی‌جویی سه گام (۱) فروپاشی رژیم غیردموکراتیک؛ (۲) شکل‌گیری رژیم دموکراتیک؛ و (۳) و تحکیم و استقرار آن، محقق می‌شود. در دوره بنیان‌گذاری صلح در آفریقای جنوبی، دو گام نخست، یعنی فروپاشی رژیم غیردموکراتیک آپارتاید (با رفع قوانین تبعیض نژادی) و شکل‌گیری رژیم دموکراتیک، در یک دوره مذاکرات سه‌ساله، با تدوین قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات آزاد در سال ۱۹۹۴ به‌درستی برداشته شد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۷).

روند انتقال قدرت و تحول دولت در آفریقای جنوبی با کنشگری فرد اصلاح‌طلبی به‌نام *اف. دبلیو. دی‌کلرک* همراه است. پارلمان آفریقای جنوبی وی را در ژانویه ۱۹۸۹ به‌عنوان رئیس‌جمهور برگزید. این انتصاب به‌مثابه پیروزی رویکرد اصلاح‌طلبانه بر تفکر متعصبانه برتری نژادی و آغاز فرایند اصلاحات بود (بخشی، ۱۳۸۶: ۱۱). وی در اظهارنظری تاریخی گفت: «زمان مذاکره فرا رسیده است» (منوکین^۱، ۲۰۱۰: ۱۲). دی‌کلرک با هدف پایان دادن به سیاست جدایی نژادی، ممنوعیت فعالیت کنگره ملی آفریقا^۲ را برداشت و نلسون ماندلا را آزاد کرد. همچنین، به‌دستور او با پذیرش ورود مبارزان تبعیدی به داخل کشور، آمادگی دولت برای مذاکره با گروه‌های سیاه‌پوست اعلام شد. دی‌کلرک، با اتخاذ ایدئولوژی واقع‌گرای سیاسی و الگو قرار دادن شعار احترام به حقوق بشر، عدالت، و برابری درصدد ترمیم وضع گذشته برآمد (سریع‌القلم و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۲) و مذاکره با گروه‌های مبارز را بر ادامه درگیری ترجیح داد. او در این فرایند، در برگزاری

1. Mnookin

2. ANC

مذاکرات صلح کودسا (۱۹۹۱)، برگزاری رفراندوم سفیدپوستان (۱۹۹۲)، تصویب قانون اساسی جدید (۱۹۹۳)، و ایجاد شورای اجرایی انتقالی، نقش بسزایی داشت. البته جریان اصلاح‌طلبی در فرایند تصمیم‌سازی با چالش‌هایی نیز روبه‌رو بود؛ از جمله مخالفت اقلیت محافظه‌کار سفیدپوست و حزب آزادی اینگاتا به رهبری بوتلزی از قبیله زولو، با ۹ میلیون جمعیت که بزرگ‌ترین مانع در مسیر انتقال قدرت به‌شمار می‌آمدند.

۲-۲. سرمایه اجتماعی ماندلا و تسریع در بنیان‌گذاری صلح

نلسون ماندلا به‌دلیل مبارزات و تحمل ۲۷ سال زندان، به یک شخصیت محبوب و کاریزماتیک در آفریقای جنوبی، به‌ویژه در بین سیاهان، تبدیل شده بود. بهره‌گیری از ظرفیت فردی و اجتماعی ماندلا، توجه دی‌کلرک را به خود جلب کرد. گروه‌های مبارز در آفریقا، با وجود داشتن هدف یکسان در دوران مبارزه، رویکردهای متفاوتی در شکل‌گیری نظام پساآپارتاید داشتند. حتی برخی مخالف شدید مذاکره با حزب ملی بودند، اما حضور کنشگر صاحب‌نفوذی در میان سیاهان، روند متفاوتی را در فرایند مذاکرات رقم زد و کشور را به‌سوی ثبات و وفاق پیش برد. دی‌کلرک، پیش از آزادی ماندلا، در زندان با او ملاقات کرد و دورنمای روشنی از همکاری را در مسیر تحقق اصلاح‌طلبی خویش دید. به همین دلیل، نخستین گروهی که از تصمیم دی‌کلرک استقبال کرد و مذاکره برای استقرار یک نظام غیرنژادی و دموکراتیک را در کشور پذیرفت، «کنگره ملی آفریقا» به رهبری نلسون ماندلا بود. این تصمیم با مخالفت «کنگره اتفاق آفریقا»، یعنی دومین گروه مبارز که مواضع تندی داشت، روبه‌رو شد (محمدی نصرآبادی، ۱۳۸۱: ۹۴).

در چنین شرایطی، کنش‌های ارادی و تأثیرگذار ماندلا و دی‌کلرک، زمینه تحولات ساختی را در آفریقای جنوبی فراهم کرد. ماندلا، حتی پیش از آزادی نیز در پی زمینه‌سازی برای مذاکره، با هدف دستیابی به صلح پایدار در آفریقای جنوبی بود. او مقامات زندان را قانع کرد که اجازه دهند، از طریق فکس و تلفن، از سلول خود، عملیات جنبش را هماهنگ کند. وی همچنین، اقدام به گفت‌وگو با مقامات دولتی کرد تا با یکدیگر زمینه‌های مشترکی برای مذاکرات آینده بیابند (اسپارکز،

۱۹۹۵: ۵۲). نلسون ماندلا در پویش‌های سیاسی اولیه و در جریان سفرهای بین‌المللی به سیزده کشور اروپایی و امریکا سفر کرد (بخشی، ۱۳۸۶: ۱۲). او خواهان نوعی «مردم‌سالاری عادی»^۱ شد؛ به همین دلیل، جامعه جهانی با اهدای جایزه صلح نوبل به ماندلا در سال ۱۹۹۳ از کوشش‌های او قدردانی کرد.

۲-۳. مذاکرات صلح «کودسا» (۱۹۹۱)

در مرحله نخست دولت‌سازی جدید، برهم‌کنش «ساخت و کنش» در فرایند صلح‌سازی، مهم‌ترین جلوه خود را در مذاکرات صلح کودسا نشان داد. در این روند، مذاکره، رایزنی، سازش، مصالحه، و گفت‌وگو که متضمن کنش‌های بازیگران صحنه سیاست و قدرت بود، به شکل‌گیری و تکوین ساخت‌هایی انجامید که تحول دولت را در آفریقای جنوبی رقم زد. این مذاکرات در دسامبر ۱۹۹۱ با عنوان «مجمع ایجاد آفریقای جنوبی دموکراتیک (کودسا)»^۲ با حضور ۱۸ گروه مخالف و دولت آفریقای جنوبی و با دستورکار اصلی «بررسی مفاد یک قانون اساسی غیرنژادی و دموکراتیک» آغاز شد. مذاکرات دور نخست و دوم کودسا، به دلیل عدم توافق به شکست انجامید؛ البته دلیل این شکست، عدم شرکت دو حزب مهم، یعنی کنگره اتحاد آفریقا (نماینده جناح تندرو سیاه‌پوستان) و حزب محافظه‌کار آفریقای جنوبی (نماینده جناح تندرو سفیدپوستان) و نیز حزب آزادی اینکاتا به رهبری بوتلزری، رهبر قبیله زولو بود.

اصلی‌ترین موضوع اختلاف نظر مذاکره‌کنندگان، چگونگی تصویب مفاد قانون اساسی بود. حزب ملی بر این نظر بود که برای تصویب قانون اساسی، ۷۵ درصد آرای شرکت‌کنندگان لازم است، در حالی که کنگره ملی آفریقا، میزان دوسوم آرا را کافی می‌دانست. در نهایت، کنگره به ۷۰ درصد راضی شد، ولی دولت دی‌کلرک بر همان درصد تأکید داشت. تأکید عوامل دولت مستقر بر لزوم دریافت درصد مشخصی از آرا برای تصویب قانون اساسی نیز در راستای اعطای نقش بیشتر به اقلیت سفیدپوست بود (پاک‌آئین، ۱۳۷۲: ۳۶). با وجود این، مذاکرات، زمینه مناسبی را برای تداوم روند همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم کرد. مذاکرات کودسا اگرچه در نهایت به شکست انجامید،

1. Ordinary Democracy
2. Convention for a Democratic South Africa

اما باعث شد که کشورهای غربی طرفدار آفریقای جنوبی، به‌ویژه آمریکا و انگلیس، تحریم‌های اقتصادی و فرهنگی-سورزشی علیه آفریقای جنوبی را لغو کرده و تحولات جاری، به‌ویژه مذاکرات کودسا، را نشانه حسن نیت دولت آقای دی‌کلرک به‌شمار آورند. با وجود چنین چالش‌ها و تنش‌هایی، به‌نظر می‌رسد به‌دلیل هوشیاری کارگزارانی مانند دی‌کلرک و ماندلا و نیز مشوق‌های بین‌المللی برای تداوم مسیر صلح‌آمیز دستیابی به مصالحه از طریق مذاکره، روند صلح‌سازی دچار توقف نشد و حتی کنش‌های بازیگران نهادی (احزاب سیاسی مشارکت‌طلب) و ویژگی‌های ساختاری (واکنش ساخت نژادی)، تداوم این روند را تضمین کرد.

۴-۲. همه‌پرسی و هم‌سویی ساخت نژادی سفید در مسیر صلح‌سازی (۱۹۹۲)

پیروزی سفیدپوستان تندرو و مخالف اصلاحات در انتخابات درون‌ایالتی در سال ۱۹۹۲، خطاری به اصلاح‌طلبان سفیدپوست بود مبنی بر اینکه مبدا بخش قابل‌توجهی از سفیدپوستان از پشتیبانی از فرایند گذار خودداری کنند. در پی این رخداد انتخاباتی، دی‌کلرک به انجام همه‌پرسی اقدام کرد و در آن، از رأی‌دهندگان سفیدپوست خواست، حمایت یا عدم حمایت خود را از مذاکرات بیان کنند. در این همه‌پرسی که تنها با شرکت سفیدپوستان در ۱۷ مارس ۱۹۹۲ در مورد دادن برابری قانونی به تمام نژادها برگزار شد، ۱/۹۴۲/۱۸۶ نفر رأی مثبت (۶۷/۷ درصد) و ۸۷۵/۶۱۹ نفر رأی منفی دادند (ترنر، ۲۰۰۲: ۱۴۳۹). چنین واکنشی از سوی ساخت نژادی سفید، به‌مثابه ویژگی ساختاری جامعه آفریقای جنوبی، راه را برای ادامه مسیر کارگزار اصلی دوره بنیان‌گذاری صلح، یعنی دی‌کلرک، هموار کرد تا با عزمی جدی‌تر از گذشته، روند صلح‌سازی را تداوم و تعمیق بخشد. این کنش و واکنش، بازنمایی‌کننده نظریه ساخت‌یابی (تعامل عاملیت-ساختار) در تبیین این‌گونه نهادسازی اجتماعی است. با این پیروزی، دی‌کلرک، در طول فرایند گفت‌وگوها تا انتخابات سال ۱۹۹۴، همواره بر این اصل تأکید داشت که هرچه بر سر آن توافق می‌شود، پیشتر توسط اکثریت قاطع رأی‌دهندگان سفیدپوست در یک همه‌پرسی به تأیید رسیده است؛ براین اساس، وی برای ادامه مسیر صلح‌سازی مصمم‌تر شد (یونگ و شاپیرو، ۲۰۱۲: ۱۵).

۵-۲. تدوین قانون اساسی؛ مهم‌ترین بر ساخته تحولات (۱۹۹۳)

ناکامی نشست‌های نخست و دوم کودسا و بروز درگیری‌های گسترده در داخل کشور (چه بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان و چه در درون سیاه‌پوستان)، همراه با فشارهای بین‌المللی، رژیم پروتوریا را بر آن داشت که وجود نظام چندحزبی و نام‌نویسی رسمی از احزاب مختلف را بپذیرد. درگیری‌های گسترده داخلی از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان تندرو از یک‌سو و در درون سیاه‌پوستان از سوی دیگر، همه احزاب و گروه‌های سیاسی را آماده پذیرش گفت‌وگوهای صلح کرد. این امر، بازنمایی واکنش ساخت نژادی به کنش‌عاملیت‌های انسانی است؛ بنابراین، برخی از گروه‌های مخالف که در مراحل پیشین از مشارکت در روند صلح‌سازی و مصالحه و سازش خودداری می‌کردند، به روند مذاکرات پیوسته و مسیر ساخت جامعه و دولت نوین را هموار کردند. در اواخر مارس ۱۹۹۳، بیست‌وشش حزب سیاسی موافقت خود را برای مذاکره در مورد تشکیل گردهمایی بررسی قانون اساسی جدید اعلام کردند. در دوم ژوئن ۱۹۹۳، مجمع مذاکرات چندحزبی، با توافق بر سر قانون اساسی جدید، روز ۲۷ آوریل ۱۹۹۴ را به‌عنوان تاریخ برگزاری نخستین انتخابات غیرنژادی در کشور تعیین کرد (بخشی، ۱۳۸۶: ۱۳). پارلمان سفیدپوست آفریقای جنوبی در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۳ با ۲۳۷ رأی موافق و ۴۵ رأی مخالف، به قانون اساسی جدید رأی داد. این تحول به‌مثابه واکنش ساخت نژادی سفید، به مهم‌ترین ویژگی ساختاری و بر ساخته تحولات، یعنی قانون اساسی، تبدیل شد که خود نشان‌دهنده تعامل ساخت و عاملیت در این دوران گذار است. این پویا، راه را برای استقرار دموکراسی چندحزبی و تشکیل دولت همه‌نژادی در کشور هموار کرد (ترنر، ۲۰۰۲: ۱۴۳۹).

۶-۲. شورای موقت اجرایی - انتقالی

شورای موقت اجرایی انتقالی^۱ با هدف مدیریت درست شرایط گذار و انتقال از دولت آبارتاید به دولت دموکراتیک، با حضور نمایندگان همه احزاب و گروه‌ها تشکیل شد. موجودیت قانونی این شورا در اکتبر ۱۹۹۳، پس از تصویب قانون

اساسی در دسامبر، در قالب لایحه برپایی شورای موقت اجرایی انتقالی، از تصویب پارلمان سفیدپوست آفریقای جنوبی گذشت. مهم‌ترین کارویژه این شورا، به‌عنوان یک نهاد چندحزبی، اجرایی، و انتقالی، «نظارت بر عملکرد حکومت تا برگزاری انتخابات» در آوریل ۱۹۹۴ بود. با برگزاری انتخابات سال ۱۹۹۴ زیر نظر شورای موقت اجرایی انتقالی، نوع حکومت به دموکراسی پارلمانی بر مبنای اصل «یک نفر یک رأی» تبدیل شد و ماندا اعلام کرد: «دیگر هرگز این سرزمین زیبا طعم تلخ سرکوب گروهی از مردم توسط گروه دیگر را تجربه نخواهد کرد» (توتو^۱، ۲۰۰۷: ۸۷). دوره استقرار آشتی و صلح در پنج سال ریاست جمهوری دی کلرک، به‌عنوان آخرین دولت آپارتاید، با کنش و واکنش‌های اثربخش و نهادسازی‌های قانونی همراه بود و کشور وارد مرحله دیگری از استمرار و نهادینگی آن در نخستین دولت دموکراتیک به ریاست نلسون ماندا شد که فراز بعدی مقاله به بازشناسی دقیق روندها و رخدادهای این دوره پرداخته است.

۳. نهادینه‌سازی صلح در دوره ماندا (۱۹۹۹-۱۹۹۴)

در آغاز این دوره، دولت وحدت ملی به ریاست ماندا و با حضور سه حزب عمده (کنگره ملی آفریقا، حزب ملی، و حزب آزادی اینگاتا) کار خود را آغاز کرد. استمرار دولت دموکراتیک، نیازمند همزیستی پایدار همه گروه‌های نژادی، به‌ویژه سفیدپوستان و سیاه‌پوستان بود که گروه اخیر، بیشترین جمعیت انسانی جامعه آفریقای جنوبی را تشکیل می‌داد. این گروه نژادی که بیشترین آسیب‌ها را از برتری نژادی سفیدپوستان تحمل کرد، پتانسیل انتقام و بازتولید خشونت را داشت، اما دو گام اثربخش ماندا در انتخاب بهنگام تاکتیک‌های استفاده از ورزش (مسابقه راگبی) و بهره‌گیری از راهبرد حقوقی «تشکیل کمیسیون حقیقت و آشتی» به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم «عدالت انتقالی»، بسیار حیاتی بود. در دوره نهادینه‌سازی صلح، ضمن اینکه درهم‌کنش ساختار-عاملیت در موضوع واکنش مثبت ساخت نژادی سیاه به رویکرد صلح‌سازی ماندا، دارای قدرت تبیین‌پذیری است، مفهوم «عدالت انتقالی» نیز در تحلیل تحولات این دوره پنج‌ساله، کاربست‌پذیری فراوانی دارد. تشکیل

کمیسیون حقیقت و آشتی، جبران خسارت و پرداخت غرامت در قالب عدالت ترمیمی، اصلاحات نهادی، یادآوری و اذعان به اعمال خشونت‌آمیز و نقض حقوق بشر، و عفو فردی، از جمله روندهای قابل تحلیل دوره یادشده بر مبنای این الگوی مفهومی است. جمله «می‌بخشم، اما فراموش نمی‌کنم» ماندلا در آغازین روزهای رهایی مردم سیاه‌پوست از آپارتاید، زمینه‌ساز شکل‌گیری مسیر جدیدی برای آینده این کشور شد.

۱-۳. صلح‌سازی و رهایی از چرخه خشونت

ماندلا یک سال پس از قرار گرفتن در مقام رئیس‌جمهور، در جریان برگزاری مسابقات جام جهانی راگبی ۱۹۹۵ در آفریقای جنوبی، که همه اعضای تیم راگبی (تیم اسپرینگ باکس)، سفیدپوست و مورد نفرت سیاهان بودند، اقدام مؤثری را انجام داد. همه جا سخن از تحریم بازی‌های این تیم بود. ماندلا، در چنین فضای نفرت‌انگیزی، این تهدید را به یک فرصت ملی تبدیل کرد. او اعلام کرد که لباس تیم راگبی سفیدپوست‌ها را به تن می‌کند و برای تماشای مسابقه راگبی میان تیم آفریقای جنوبی و نیوزلند، به ورزشگاه می‌رود. وی گفت، هرکس سربلندی کشور را می‌خواهد، باید به حمایت از تیم راگبی برخیزد. این حرکت ماندلا، تحریم را با شکست روبه‌رو کرد. بسیاری از سیاهان برای همراهی با رهبرشان به ورزشگاه هجوم بردند و تیم را تشویق کردند. در این مسابقات، تیم راگبی آفریقای جنوبی قهرمان شد. این تحول، راه «کمیسیون حقیقت و آشتی» را که به ریاست دزموند توتو تشکیل شد، هموار کرد (رنانی، ۱۳۹۶: ۵).

۲-۳. کمیسیون حقیقت و آشتی

یکی از شناخته‌شده‌ترین کمیسیون‌ها، کمیسیون حقیقت و آشتی آفریقای جنوبی است که در سال ۱۹۹۵ تشکیل شد؛ البته عفوهای عمومی، پرداخت غرامت‌ها، یادبودها، مراسم بزرگداشت، درمان آسیب‌دیدگان، و انواع مختلفی از اصلاحات در راستای تشویق آشتی، صلح، و وحدت ملی توسط بسیاری از جوامع پساکشمکش

به کار گرفته شده بودند (زرن^۱، ۲۰۱۴: ۱۲).

کمیسیون حقیقت و آشتی، به منظور اجرایی شدن فرایند صلح‌سازی در قالب عدالت انتقالی و مبارزه با گذشته تاریک و رقت‌بار نقض گسترده و نظام‌مند حقوق بشر از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۳، در نخستین پارلمان آزاد آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۵ تصویب شد و آغاز به کار کرد. مدت کار این کمیسیون، ابتدا ۱۸ ماه بود که ۶ ماه دیگر نیز به این فرصت زمانی اضافه شد (سرآمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۳). به بیان توتو، پس از سقوط آپارتاید، بعضی از مردم آفریقای جنوبی، خواهان نوعی دادگاه نورنبرگ بودند، اما نورنبرگ هرگز مورد توجه جدی ما نبود. در مورد وضع خود ما، رژیم آپارتاید یا نهضت‌های لیبرال، هیچ‌یک نمی‌توانستند یکدیگر را شکست دهند. افزون‌براین، مدعی‌العموم‌ها و قاضی‌ها می‌توانستند پس از پایان محاکمه، چمدان خود را بسته و آلمان را به مقصد کشورهای خود ترک کنند، در حالی که ما باید در سرزمین مادری مشترک خود، خانه‌هایمان را بسازیم و بیاموزیم که چگونه با یکدیگر کنار بیاییم (توتو، ۱۹۸۶: ۱-۳).

در نشست‌هایی که در سپتامبر ۱۹۹۵ در مراکز متفاوت آفریقای جنوبی، از جمله شورای عالی اسقف‌ها برگزار شد، ۵۵ نفر برای عضویت در کمیسیون حقیقت و آشتی برگزیده شدند. از این تعداد، ۲۵ نفر برای عضویت در کمیسیون به رئیس‌جمهور معرفی شدند. او نیز پس از مشورت با اعضای دولت ملی، ۱۷ نفر را برگزید. نلسون ماندلا، دزموند توتو را به‌عنوان رئیس و دکتر الکس بورانی را به‌عنوان نایب‌رئیس کمیسیون منصوب کرد. در ترکیب اعضای کمیسیون، تمام گروه‌های نژادی، فکری، و مذهبی نماینده داشتند؛ جالب‌تر اینکه، در میان آن‌ها ده سفیدپوست حضور داشتند که دو نفر از آن‌ها آفریکانر بودند (توتو، ۱۳۹۶: ۹۶).

یکی از روش‌های مرسوم کمیسیون، اعتراف به جرم و عفو فردی بود. این شیوه مجازات، همان شرمی بود که از طریق افشای جنایت‌ها، گریبان مجرمان را می‌گرفت. افشای مشارکت آنان در اعمال وحشیانه، به متلاشی شدن خانواده‌ها، نابودی عزت نفس، و تحقیر مجرمان انجامید. کمیسیون برای اصلاح انسان‌ها، «بطن

جامعه» را به گوشه زندان ترجیح داده بود (ندبله، ۱۳۷۸: ۲۰). بسیاری از نیروهای امنیتی‌ای که درخواست عفو کردند، پیش از آن، در میان اطرافیان‌شان افراد قابل احترامی بودند. نخستین بار بود که همسایگان، دوستان، و خانواده می‌شنیدند که آن‌ها عضو جوخه‌های مرگ بوده‌اند و زندانیان را به‌گونه‌ای نظام‌مند شکنجه کرده‌اند. این بهایی بود که درخواست‌کنندگان عفو باید می‌پرداختند و بدون پرداخت هزینه از این مرحله عبور نکرده‌اند (گاراپون، ۱۳۸۱: ۹۳).

۱-۲-۳. عملکرد کمیسیون

نخستین جلسه کمیسیون حقیقت و آشتی آفریقای جنوبی، در سراسقفی آفریقایی جنوبی تشکیل شد. سه کمیته در زیرمجموعه کمیسیون ایجاد شدند؛ کمیته «ناقضان حقوق بشر»، کمیته «جبران خسارت و اعاده حیثیت»، و «کمیته عفو». کمیته عفو، موقعیت ویژه‌ای در کمیسیون داشت. رئیس آن، قاضی‌ای بود که عضویتی در کمیسیون نداشت و به‌طور مستقیم توسط رئیس‌جمهور انتخاب شده بود. بعدها رئیس‌جمهور، سه قاضی دیگر را به این جمع اضافه کرد تا فرایند رسیدگی به درخواست‌های عفو و بخشودگی — که به بیش از هفت هزار مورد رسیده بود — سرعت بیشتری بگیرد (توتو، ۱۳۹۶: ۹۹). کمیته نقض حقوق بشر، قادر به ایجاد فرصت برای ۲۱ هزار قربانی شده بود تا به‌صورت کتبی یا شفاهی آنچه را بر آنان گذشته بود، بازگو کنند (سرآمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۵). سیاست کمیته عفو، رسیدگی به گذشته و عفو فردی بود. افرادی که خواستار بخشش بودند، باید بر آنچه انجام داده بودند، بدون کم‌وکاست اعتراف کنند. کارویژه اصلی کمیته جبران خسارت و اعاده حیثیت، جبران ضرر و زیان ناشی از تخریب اماکن عمومی و خصوصی و آسیب‌های روحی و شخصی وارد شده به قربانیان بود. به پیشنهاد کمیته، پارلمان و رئیس‌جمهور، بودجه‌ای را به خانواده هزار قربانی اختصاص دادند؛ هرچند این کمک‌ها نتوانست رضایت خانواده‌های قربانیان را جلب کند. محاکمه وینی ماندلا و تحقیقات در مورد جنایت‌های رخ داده در اردوگاه‌های کنگره ملی آفریقا، از عملکردهای متمایز این دوره به‌شمار می‌آیند.

کمیسیون از یافته‌های خود دو گزارش ارائه کرد. گزارش نخست، در اکتبر

۱۹۹۸ به رئیس‌جمهور، نلسون ماندلا، داده شد. این گزارش، ۴۷ هزار واقعه نقض حقوق بشر را دربر داشت که در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۳ اتفاق افتاده بود. دست‌کم سه‌ونیم میلیون نفر در زندگی روزمره خود توسط رژیم، سرکوب شدند. تقریباً همین تعداد به‌زور از خانه‌ها و منطقه‌های خود رانده شده بودند. نیروهای امنیتی، بیش از سه‌هزار نفر را کشتند، پنج‌هزار نفر را شکنجه کردند، و ۸۰ هزار نفر را نیز بدون مجوز دادگاه، بازداشت کردند. رسیدگی به درخواست‌های عفو تا سال ۲۰۰۰ طول کشید. دلیل طولانی شدن کار کمیته، ناچیز بودن مقدار بودجه بود. گزارش نهایی کمیسیون در سال ۲۰۰۳ به رئیس‌جمهور تابو/مبکی ارائه شد (سرآمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۷).

۳-۳. ادامه مشارکت احزاب در پساآپارتاید

در دوره نهادینه شدن صلح در آفریقای جنوبی، احزاب و گروه‌های سیاسی بیش از گذشته برای مشارکت در قدرت سیاسی آزادی عمل داشتند. افزایش و کاهش آرای احزاب، با توجه به آزادی عمل آن‌ها در عرصه مشارکت و رقابت، به رویکرد و کارکرد آنان مربوط می‌شود. در دوره‌های برگزاری انتخابات پس از سال ۱۹۹۴، برخی با افزایش و برخی با کاهش اقبال افکار عمومی روبه‌رو شدند. در دو دوره برگزاری انتخابات پس از آپارتاید، یعنی سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴، آرای کنگره ملی آفریقا افزایش، و آرای دو حزب ملی و اینکاتا (به‌عنوان نزدیک‌ترین رقیب‌ها) کاهش یافت. در ۲۵ آوریل ۱۹۹۴، نخستین انتخابات غیرنژادی در آفریقای جنوبی برگزار شد (محمدی نصرآبادی، ۱۳۸۳: ۱۱۷). با اعلام نتیجه انتخابات، کنگره ملی آفریقا از مجموع ۱۹/۷۲۶/۵۷۹ رأی دریافت‌شده، بیش از ۱۲ میلیون و ۳۰۰ هزار رأی، یعنی ۶۲/۵ درصد آرا و ۲۵۲ کرسی از ۴۰۰ کرسی پارلمان را کسب کرد و کنترل هفت ایالت از نه ایالت کشور را نیز به‌دست آورد. در دولت وحدت ملی، دی‌کلرک، رهبر حزب ملی، مقام معاون دوم رئیس‌جمهور را به‌عهده گرفت (بخشی، ۱۳۸۶: ۱۶).

دومین دوره انتخابات غیرنژادی در سال ۱۹۹۹ برگزار شد. از مجموع آرای شمارش‌شده که ۱۵/۹۵۹/۳۶۵ رأی بود، کنگره ملی آفریقا با کسب ۱۰/۶۰۱/۲۶۲

رأی و ۶۶/۳۶ درصد آرا به پیروزی رسید. حزب دموکراتیک با کسب ۹/۵ درصد آرا دوم شد، و حزب اینکاتا با ۸/۵۹ درصد آرا به مقام سوم دست یافت. کنگره ملی آفریقا ۲۶۶ کرسی، حزب دموکراتیک ۳۸ کرسی، و حزب اینکاتا ۳۴ کرسی از ۴۰۰ کرسی را به دست آوردند. سومین دوره انتخابات در آوریل ۲۰۰۴ برگزار شد. کنگره ملی آفریقا با ۲۷۹ کرسی از ۴۰۰ کرسی مجلس و ۶۹/۶۸ درصد آرای دریافت‌شده، به پیروزی چشمگیری دست یافت و موفق شد برای نخستین بار رأی اکثریت را در تمام ایالت‌های نه‌گانه این کشور به دست آورد و دولت‌های ایالتی را به تنهایی تشکیل دهد. با مقایسه نتایج سه دوره انتخابات پس از آبارتاید مشخص می‌شود که آرای کنگره ملی آفریقا، سیر صعودی داشته و از ۶۲/۵ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۶۶/۳۶ درصد در سال ۱۹۹۹ و ۶۹/۶۸ درصد در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است (Thanker Pratibha, 2004, p.1).

گفتنی است، مهم‌ترین عامل افزایش آرای کنگره ملی آفریقا در دو دوره پس از ۱۹۹۴، شیوه حکمرانی و گرایش بخشی از سفیدپوستان به این حزب بوده است.

۴-۳. منزلت زنان

با استقرار نخستین دولت دموکراتیک همه‌نژادی در سال ۱۹۹۴، زنان در وضع قوانین موفق بوده‌اند. آفریقای جنوبی به لحاظ حضور درصد بالای نمایندگان زن (۲۵ درصد) هفتمین کشور جهان است. راهبرد کنگره ملی آفریقا و رویکرد رهبرانی مانند الیور تامبو و نلسون ماندلا، پیش از پیروزی در انتخابات ۱۹۹۴، تأکید بر افزایش مشارکت زنان بوده است. با گذار به دموکراسی در اوایل دهه ۱۹۹۰، این راهبرد به شدت تقویت شد. در سال ۱۹۹۴، کنگره ملی آفریقا تنها حزبی بود که حدود ۳۰ درصد از نامزدهای زن را در فهرست نامزدهای انتخاباتی خود قرار داد. با اعلام برنامه بازسازی و توسعه انتخاباتی کنگره ملی آفریقا، گروه‌های زنان درون حزب در راستای تعقیب مسائل خاص خود در زمینه‌های اشتغال، بهداشت، و مالکیت، به شدت فعال شدند. فعالیت‌های سیاسی زنان نماینده پارلمان، از جمله ماویوی مانسینی، بالکا مته، و تنجیوه متیتسو، در گنجاندن بندهای مربوط به حقوق باروری و همچنین، حقوق اجتماعی-اقتصادی بسیار مؤثر بود (حسین، ۱۳۸۰: ۲۱).

۵-۳. رویکرد صلح طلبانه در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای

در فرایند صلح‌سازی، نمایندگی‌های خارجی دولت در این دوران به بیش از ۹۰ نمایندگی افزایش یافت. روابط با بیش از ۷۰ کشور ایجاد یا ارتقا یافته و با ۱۶۴ کشور بدون محاسبه عضویت در ۷۰ سازمان بین‌المللی - روابط دیپلماتیک برقرار شد. حضور ۱۲۴ نمایندگی دیپلماتیک به‌انضمام نمایندگی‌های سازمان‌های بین‌المللی در پرتوریا، این شهر را به یکی از شلوغ‌ترین پایتخت‌های دیپلماتیک جهان تبدیل کرده بود. در بُعد منطقه‌ای نیز کشورهای شرق و جنوب آفریقا، که دارای راه زمینی با آفریقای جنوبی هستند، درهای خود را به‌روی حکومت پرتوریا گشودند و زمینه پذیرش این رژیم در اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای فراهم شد؛ تاجایی‌که کنفرانس همکاری‌های اقتصادی جنوب آفریقا، که برای مبارزه اقتصادی با آفریقای جنوبی تأسیس شده بود، این رژیم را برای عضویت در کنفرانس دعوت کرد. این کشور حتی به ریاست کنفرانس نیز برگزیده شد (میلز، ۱۳۸۰: ۵).

۶-۳. در تکاپوی تبدیل شدن به قدرت نوظهور اقتصادی پس از آپارتاید

گروه «بریکس» از جمله تشکل‌های نوظهور با رویکرد اقتصادی است که آفریقای جنوبی در ۲۴ دسامبر ۲۰۱۰ به عضویت آن درآمد و رئیس‌جمهور این کشور در ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ برای نخستین بار در نشست سوم سران این گروه در چین حضور یافت. با اضافه شدن آفریقای جنوبی به این گروه، نام آن از «بریک» به «بریکس» تغییر کرد. این گروه، شامل پنج کشور «برزیل، روسیه، هند، چین، و آفریقای جنوبی»، حدود ۳۰ درصد از مساحت کره زمین، تقریباً نیمی از جمعیت دنیا، و حدود ۲۸ درصد از تولید ناخالص ملی جهان را در اختیار دارند. ذخایر ارزی کشورهای یادشده، بالغ بر ۴۹۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است (شیرزادی، ۱۳۹۶: ۳۸).

۷-۳. انتقال مسالمت‌آمیز قدرت

ماندلا با پی‌ریزی ساختار مناسب اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی در طول پنج سال زمامداری و کناره‌گیری متفاوت از قدرت در سال ۱۹۹۹، میراث بی‌همتایی را از

خود به جای گذاشت. به قول ریچارد استنگل:

ماندلا باعث نجات آفریقای جنوبی از تبعیض نژادی و اتحاد سفیدپوستان و سیاه‌پوستان شده است. او این کار بزرگ را با تغییر و تعویض درست و به موقع نقش خود به عنوان مبارز، جنگجو، فدایی، سیاستمدار، و رهبر انجام داد (استنگل، ۱۳۸۹: ۲۲).

در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۹ تعداد ۱۹۲ عضو مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه شماره ۳۳۸ به اتفاق آراء، روز تولد ماندلا را روز جهانی ماندلا نام‌گذاری کردند که هر سال در سراسر جهان جشن گرفته می‌شود. در این قطعنامه، از نقش بی‌بدیل نلسون ماندلا در صلح جهانی تجلیل شده است (بلوچی، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

۴. آموزه‌های این پژوهش برای ایران کنونی

هرچند بررسی تجربه صلح‌سازی در آفریقای جنوبی برای استقرار و استمرار نظام دموکراتیک مبتنی بر «تقدم بخشش بر انتقام»، به صورت ضمنی و برگرفته از محتوای بیان‌شده در این پژوهش، دستاوردهای نظری چشمگیری برای مخاطب و خواننده ایرانی دارد، با وجود این، در اینجا، با صراحت و شفافیت بیشتر، برخی از ره‌آوردها و آموزه‌های آن را برای جامعه ایران به بحث می‌گذاریم تا انگیزه و فرصتی را برای رصد گذشته، اتخاذ تدابیری برای حال، و برنامه‌ریزی دقیق برای آینده فراهم کنیم. دستیابی به یک سیاست‌ورزی و حکمرانی خوب، همزیستی همراه با صلح پایدار، و تحکیم ملت‌سازی و دولت‌سازی، اصلی‌ترین محصولات این درس‌آموزی تجربی هستند. مهم‌ترین گام در راستای بهره‌گیری از تجربه ملت‌های دیگر، انجام پژوهش‌های دقیق و بدون سوگیری در مورد تجربه تاریخی آن‌ها است تا شاخص‌های دقیقی از کیفیت بهره‌گیری از آموزه‌ها، استخراج و در اختیار جامعه و حکمرانان ایرانی قرار گیرد. یکی از هدف‌های ضمنی قابل توجه در این پژوهش، پی‌جویی این مهم بوده است.

فرایند گذار به دولت دموکراتیک در آفریقای جنوبی، متضمن آزادی عمل در اعلام نارضایتی‌های سیاسی، مشارکت‌خواهی، ضدیت با خودکامگی، رقابت‌جویی، مطالبه حکومت قانونی و جامعه‌باز برای تحقق حقوق مدنی و سیاسی، وجود تشکیلات نیرومند جامعه مدنی، نیرومندی علایق گروهی و صنفی و حزبی، وجود

رهبران و نخبگان صلح‌جو و دارای پایگاه اجتماعی بوده است؛ ازاین‌رو، جامعه ایرانی نیز قادر خواهد بود از تجربه این کشور برای بهبود زندگی سیاسی و اجتماعی خود بهره‌گیرد. تقویت روحیه مصالحه‌جویانه در زیست سیاسی و اجتماعی، اصالت و تقدم «بخشش بر انتقام» در برخورد با مجرمان، ترجیح عدالت‌ترمیمی بر عدالت کیفری و مجازات‌های سختگیرانه، امکان مشارکت و قدرت‌گیری اپوزیسیون دارای رویکرد و رفتار مسالمت‌آمیز، گزینش روش‌های سودمند برای نمایش حکمرانی خوب توسط نخبگان سیاسی، بازآموزی و به‌کارگیری شیوه‌های دموکراتیک رقابت و مشارکت توسط فعالان و رقبا، مدارای مذهبی در رویارویی با اقلیت‌های دینی و مذاهب اسلامی دیگر، و درنهایت، تلاش برای اصلاح ساختارها و رفتارهای نامناسب، از جمله آموزه‌های این تجربه برای جامعه ایرانی هستند. در اینجا، بخشی از این آموزه‌ها، شرح و بسط داده می‌شود.

۱-۴. تقویت روحیه مصالحه‌جویانه در زیست سیاسی و اجتماعی و شیوه‌های

دموکراتیک رقابت

در پرتو تجربه آفریقای جنوبی، مصالحه و سازش بین نظم مستقر و نیروهای اجتماعی و سیاسی خواهان مشارکت در قدرت، برای ایران کنونی، بسیار ضروری به نظر می‌رسد؛ همان‌گونه که اصلاح رویکردهای رقابت‌جویانه توسط فعالان و رقبا در عرصه مشارکت‌های سیاسی و به‌ویژه انتخابات، یک اصل مهم در پیشبرد هدف‌های دموکراتیک به‌شمار می‌آید. شیوه‌های رقابت سیاسی که گاهی سبب بروز حوادث ناگوار و جبران‌ناپذیری در مقاطع پیش یا پس از انتخابات در ایران می‌شود، باید تعدیل شود. ترور مسلحانه افراد (ترور حجاریان در دوره پس از رقابت‌های انتخاباتی سال ۱۳۷۶) و درگیری‌های خشونت‌آمیز در سال ۱۳۸۸ که به کشته و زخمی شدن انسان‌های بی‌گناه و بی‌شماری انجامید، نمونه‌های رنج‌آوری از آن پویش‌های ناصواب به‌شمار می‌آیند. اگرچه در آفریقای جنوبی پیش از انتخابات سال ۱۹۹۴، به‌عنوان نخستین انتخابات دموکراتیک و همه‌نژادی، با زیاده‌خواهی رئیس بوتلزی و گروه نژادی تحت رهبری او، یعنی «زولو»، درگیری‌های پراکنده‌ای در این کشور رخ داد که سبب کشته شدن عده‌ای از سیاه‌پوستان شد، اما با برگزاری

چند انتخابات در فرازهای پس از گذار دموکراتیک، رویه‌های نادرست پیشین در رفتار و رقابت سیاسی از بین رفت و به هنجارهای درست نزدیک شد. تجربه آفریقای جنوبی نشان می‌دهد، تحرکات براندازانه اپوزیسیون داخل و خارج که بیشتر با مشی مسلحانه برای رسیدن به هدف خود مبارزه می‌کنند، در راستای گذار کامل ایران به دموکراسی، راه به جایی نخواهد برد؛ زیرا به نظر می‌رسد، اصلاحات درون‌سیستمی که نیروهای موسوم به اصلاح‌طلبان آن را پی‌جویی می‌کنند، راهکار برون‌رفت از چالش‌های ساختاری است. در این مقوله، نقش نخبگان سیاسی حاکم در رسیدن به این هدف، بسیار مهم است. اگرچه بحث‌های جدیدی برای اصلاح ساختار قدرت در محافل عمومی و حتی علمی مطرح شده است، اما کارگزاران اصلی حکومت در ایران، واکنش‌های درخور توجهی به این امر نشان نداده‌اند.

۲-۴. اصالت و تقدم «بخشش بر انتقام» در رفتار با مجرمان، ترجیح عدالت

ترمیمی بر عدالت کیفری

برپایه تجربه آفریقای جنوبی، رویکرد «تقدم بخشش بر انتقام» هم ناظر بر حل‌وفصل اختلافات سیاسی بوده و هم مبنای مجازات مجرمان و متهمان قرار گرفته است. این تجربه، به درستی نشان داد که نتایج به دست آمده، بسیار کم‌هزینه و پرفایده بوده است. به کارگیری چنین تجربه‌ای در ایران، مستلزم انتخاب رویه مشابهی توسط دولت و جامعه است که قدرت سیاسی حاکم و نیروهای سیاسی و اجتماعی باید به دقت به آن توجه داشته باشند. اصل تقدم بخشش بر انتقام باید ستاره راهنمای عمل سیاسی و رفتار اجتماعی باشد تا همزیستی سیاسی و اجتماعی مسالمت‌آمیز در ایران بسط و گسترش یابد.

رویه قضایی و حقوقی در ایران، بیشتر دارای جهت‌گیری عدالت کیفری است و در نتیجه، مجازات‌های نسبتاً سختگیرانه‌ای را در پی دارد؛ در حالی که تجربه آفریقای جنوبی و همچنین، تجربه کشورهای توسعه‌یافته کنونی، بیانگر این است که عدالت ترمیمی، جایگزین مناسبی برای عدالت کیفری است. هرچند، روند متأخر در نظام قضایی ایران، نشان‌دهنده بهره‌گیری از برخی سازوکارهای عدالت ترمیمی در صدور احکام قضایی است، با وجود این، نظم حقوقی و قضایی ایران باید بر تقدم

عدالت ترمیمی و اولویت بخشش بر انتقام استوار شود و دستگاه قضایی در صدور احکام فعالان سیاسی و مدنی و حتی محکومان عمومی محاکم، به‌سوی مجازات‌های اجتماعی گرایش بیشتری پیدا کند؛ البته، اتخاذ شیوه‌نامه‌های مبتنی بر عدالت ترمیمی، در مورد مجازات‌های مربوط به محاکم عمومی، هم‌اکنون نیز بسیار گسترش یافته است. در این زمینه، ناکارآمد بودن مجازات حبس به‌ویژه حبس‌های کوتاه‌مدت—در اصلاح و بازپروری زندانیان، جرم‌زا بودن محیط زندان، و هزینه‌های اقتصادی مربوط به آن، سیاست‌گذاران جنایی را بر آن داشته است که در راستای حبس‌زدایی و منع استفاده بی‌رویه از مجازات، لایحه‌ای با عنوان «مجازات‌های جایگزین زندان» را تدوین کنند. این رویکرد نشان می‌دهد که ایران نیز درصدد برطرف کردن مشکل حبس‌محوری در نظام عدالت کیفری خود برآمده و به عدالت ترمیمی روی آورده است (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۷۸: ۶۹).

همان‌گونه که دولت باید در این زمینه به مسیر تجربه‌شده در آفریقای جنوبی گرایش یابد، نیروهای اجتماعی و شهروندان ایرانی نیز بایستی به بهره‌گیری از چنین سیاق رفتاری‌ای توجه بیشتری داشته باشند. کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی در ایران، بیش از حد معمول، غیرمسالمت‌آمیز به‌نظر می‌رسد. رفتارهای نسبتاً خشن در رویارویی‌ها و چالش‌های عادی اجتماعی توسط آحاد جامعه و حس انتقام‌گیری در منازعات کم‌اهمیت، نیازمند ترویج روح مدارا و بخشش در جامعه ایرانی است. در عرصه رقابت‌های سیاسی نیز به ملاحظه و رعایت چند اصل اساسی نیازمندیم که کیش‌زدایی از قدرت، اتخاذ شیوه‌های مسالمت‌آمیز در رقابت و مشارکت، دوری از رفتارهای خشونت‌آمیز، و پیش‌بینی سازوکارهای حل منازعه، از جمله آن‌ها است (علیخانی، ۱۳۷۷: ۶۱).

۳-۴. شکل‌گیری نظام حزبی و تقویت جامعه مدنی

مطالعه تاریخیچه شکل‌گیری احزاب در ایران نشان می‌دهد که این نیروی اجتماعی و سیاسی سازمان‌یافته هیچ‌گاه در جامعه ایران به‌گونه‌ای نیرومند ظاهر نشده است. البته در فاصله‌های زمانی مختلف، تشکیل احزاب سیاسی، گاهی به‌سبب نیاز دولت‌ها برای نمایش ساختار حزبی در جامعه (حزب رستاخیز و حزب ملت ایران در دوره پهلوی دوم، و حزب جمهوری اسلامی در ابتدای وقوع انقلاب اسلامی) و گاهی به‌دلیل تلاش

نیمه‌جان نیروهای اجتماعی برای سهم شدن در قدرت، با هدف پیروزی در انتخابات بوده است؛ از این رو، احزاب هیچ‌گاه به وظایف حزبی خود به‌درستی عمل نکرده‌اند. شکل‌گیری نظام حزبی در آفریقای جنوبی پس از سرنگونی دولت آپارتاید نشان می‌دهد که احزاب در رقابت واقعی در صحنه قدرت و سیاست، خود را در برابر افکار عمومی به‌آزمون گذاشته‌اند و هر یک با کسب رأی‌های مشخصی، نسبتی از مجلس و قدرت دولت را در اختیار گرفته‌اند. بازآموزی این تجربه برای جامعه ایران در راستای شکل‌گیری یک نظام حزبی پویا، راهگشا است. در بستر چنین تجربه‌ای، ضرورت دارد که احزاب سیاسی از یک‌سو، از پشتوانه اجتماعی برخوردار بوده و از متن جامعه برخیزند، و از سوی دیگر، امکان مشارکت و رقابت آن‌ها در یک انتخابات آزاد، عادلانه، و منصفانه فراهم شود (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۳۰-۳۲۸).

۴-۴. مدارای مذهبی در رفتار با اقلیت‌های دینی و مذاهب اسلامی دیگر

روند تحول و سیاست‌های اجرا شده در آفریقای جنوبی که انحصار نژادی را از بین برده و به نظام همه‌نژادی گرایش یافته است، نشان می‌دهد که جامعه ایران و نظام جمهوری اسلامی نیازمند بازنگری در روش‌های رویارویی با گروه‌های اجتماعی و مذهبی متنوع است. رفتار نادقیق با اقلیت‌های مذهبی و گروه‌های اسلامی از جمله اهل سنت در ایران، چه توسط نظام سیاسی و چه از سوی گروه‌های اجتماعی و سیاسی باید اصلاح شود. این پویا، خود گام ضروری‌ای در مسیر صلح‌سازی در ایران است. جلوگیری از ورود یکی از اعضای اقلیت‌های مذهبی (سپنتا نیکنام) به شورای شهر یزد، تخریب مسجد اهل سنت در تهران، و هتاکی یک مداح در مراسم شب تولد امام حسن مجتبی(ع) به اهل سنت و خلیفه اول تا سوم در یکی از مساجد تهران در خرداد ۱۳۹۸ (بخش‌شده در تلویزیون) — که سبب بروز حاشیه‌های جدی و واکنش‌های شدید علما و نمایندگان اهل سنت مجلس (با فرستادن نامه به رهبری) شد — از جمله رفتارهای نادرست در این زمینه هستند.

نتیجه‌گیری

نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی در طول ۴۶ سال، فرصت‌های نابرابری را میان سفیدپوستان ازیکسو و سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان ازسوی دیگر ایجاد کرد. مبارزات طولانی‌مدت مردم به رهبری نلسون ماندلا و واکنش حمایت‌گونه جامعه بین‌المللی در قالب تحریم‌های اثربخش، گروه سفیدپوست حاکم را به بازنگری در روند حکمرانی پیشین واداشت. در سال ۱۹۸۹ دی‌کلرک در رأس یک جریان اصلاح‌طلب در حزب ملی، تصمیم گرفت روند صلح‌سازی را در آفریقای جنوبی شروع کند. او با آزاد کردن نلسون ماندلا از زندان و رفع ممنوعیت فعالیت احزاب، زمینه اولیه مصالحه را با شکل‌دهی مذاکرات کودسا، برگزاری همه‌پرسی بین سفیدپوستان، و تصویب قانون اساسی جدید با هدف تحول دولت از آپارتاید به دموکراسی در آفریقای جنوبی فراهم کرد. این فرایند به انتخابات سال ۱۹۹۴ و ریاست‌جمهوری نلسون ماندلا منتهی شد. تشکیل «کمیسیون حقیقت و آشتی» مهم‌ترین اقدام عملی او در مسیر تحکیم و استمرار، پس از استقرار صلح بود. در این پویا، انگیزه انتقام‌جویی جای خود را به بخشش و بخشودگی عمومی، جای خود را به بخشودگی فردی در عین اذعان به جنایت در پیشگاه افکار عمومی داد.

بهره‌گیری از تجربه آفریقای جنوبی برای تقویت روحیه مصالحه‌جویی در زیست سیاسی و اجتماعی، اصالت و تقدم «بخشش بر انتقام» در رفتار با مجرمان، ترجیح عدالت ترمیمی بر عدالت کیفری و مجازات‌های سختگیرانه، امکان مشارکت و کسب قدرت اپوزیسیون دارای رویکرد و رفتار مسالمت‌آمیز، گزینش روش‌های سودمند برای نمایش حکمرانی خوب توسط نخبگان سیاسی، بازآموزی و به‌کارگیری شیوه‌های دموکراتیک رقابت و مشارکت از سوی فعالان سیاسی، مدارای مذهبی در رویارویی با اقلیت‌های دینی و مذاهب اسلامی دیگر، دوری از کینه‌ورزی‌های داخلی، و درنهایت، تلاش برای اصلاح ساختارها و رفتارهای نامناسب، از جمله آموزه‌های پژوهش برای جامعه ایران هستند. نویسندگان این مقاله به پژوهشگران دیگر پیشنهاد می‌کنند، درباره «مطالعه تطبیقی اجرای عدالت انتقالی در کشورهایی مانند آلمان، رواندا، آرژانتین، و آفریقای جنوبی» پژوهش‌های کامل‌تری را انجام دهند تا رویه ارزشمند صلح‌سازی در عدالت انتقالی با هدف تحول دولت‌های درحال‌گذار از استبداد به دموکراسی، ادبیات شایسته‌ای به‌دست آورد.*

منابع

- استنگل، ریچارد (۱۳۸۹)، «ماندلا و هشت درس مدیریت او»، ترجمه مهرو مهدوی، مجله رشد مدیریت مدرسه، شماره ۷۰.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۵)، «چارچوبی برای بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد دولت در جمهوری اسلامی ایران»، رهیافت انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۴.
- بخشی، احمد (۱۹۸۶)، «بررسی سیاست خارجی آفریقای جنوبی پس از آپارتاید»، مطالعات آفریقا، شماره ۱۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، گذار به دموکراسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۹)، «میراث نلسون ماندلا، رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی»، مطالعات آفریقا، شماره ۲۱.
- بیتام، دیوید؛ بویل، کوئل (۱۳۹۳)، دموکراسی چیست (آشنایی با دموکراسی)، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران: انتشارات ققنوس.
- پیام یونسکو (۱۳۵۰)، «آفریقای جنوبی زیر فشار قانون نابرابری»، علوم اجتماعی، شماره ۲۸.
- توتو، دزموند (۱۳۹۶)، مسیر آشتی از استبداد به دموکراسی، ترجمه بهمن احمدی امویی، تهران: نشر پارسه.
- جلالی نایینی، بی‌نام (۱۳۵۰)، «روش گاندی در امر وکالت»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۱۸.
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۸۷)، «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)»، مجله حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۶۴.
- حسین، شیرین (۱۳۸۰)، «آفریقای جنوبی: پیروزی ناتمام»، مجله علوم اجتماعی، پیام یونسکو، ۳۱ (۳۶۱).
- دوانی، پیروز (۱۳۷۴)، «آفریقای جنوبی در یک نگاه»، چیستا، شماره‌های ۱۱۸ و ۱۱۹.
- ذاکریان، مهدی؛ عمادی، سید رضی (۱۳۹۲)، «سازوکارهای عدالت انتقالی: تحلیلی مهم در حقوق بین‌الملل»، سازمان‌های بین‌المللی، ۱(۱).
- رنانی، محسن (۱۳۹۶)، معرفی کتاب مسیر آشتی؛ از استبداد به دموکراسی، تهران: پوشش فکری توسعه.
- سرآمد، محمدحسین و دیگران (۱۳۹۰)، «دستنامه آموزشی عدالت انتقالی»، افغانستان: شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر افغانستان.

سریع‌القلم، محمود و دیگران (۱۳۸۵)، «تبدیل ژئوپلیتیک جنگ به ژئوپلیتیک صلح (بررسی موردی: تأثیر سیاست خارجی آفریقای جنوبی بر امنیت منطقه‌ای در دوره آپارتاید و پس‌از آن)»، ژئوپلیتیک، ۲ (۳ و ۴).

شیرزادی، رضا (۱۳۹۶)، «کشورهای نوظهور و ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی)»، سیاست، زمستان، شماره ۱۶.

چگنی‌زاده، غلامعلی؛ صحرائی، محمدرضا (۱۳۹۴)، «صلح‌سازی در افغانستان: ۱۴ سال پس از توافق‌نامه بن»، پژوهشنامه راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۴ (شماره پیاپی ۴۴).

علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر سفیر. کورتون، ماریان (۱۳۶۵)، تاریخ آفریقای جنوبی بعد از جنگ جهانی دوم تا امروز، ترجمه ابراهیم صدقیانی، تهران: امیرکبیر.

گازویون، آلن (۱۳۸۱)، «آشتی در فراسوی دادرسی‌ها؟ نمونه‌های آفریقای جنوبی و رواندا»، گفتگو.

گوردیمر، نادین (۱۳۷۰)، «فهرمانانی که در آفریقای جنوبی می‌شناسم، خود را فدای دیگران می‌کنند»، ترجمه مهوش غلامی، ادبیستان فرهنگ و هنر، شماره ۲۴.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، معماری مدرنیته، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: نشر کویر. مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ماندلا، نلسون (۱۳۹۵)، راه دشوار آزادی، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ هفتم.

محمدی نصرآبادی، ولی‌الله (۱۳۸۱)، «احزاب و گروه‌های سیاسی در آفریقای جنوبی»، مطالعات آفریقا، شماره ۶.

_____ (۱۳۸۳)، «نگرشی به آپارتاید؛ یک دهه پس از سقوط»، مطالعات آفریقا، شماره ۹.

معینی‌علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵)، روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرائیبات‌گرایی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مقتدر، هوشنگ (۱۳۴۸)، «تبعیضات نژادی در آفریقای جنوبی»، خرد و کوشش، شماره ۲. موسوی‌نیا، سیدرضا؛ طهایی، سید جواد (۱۳۹۷)، «رویکرد کلاسیک و نقد نظریه مدرن صلح؛ رهیافتی برای دولت‌های ایرانی»، دولت‌پژوهی، شماره ۱۳.

میلز، گرگ (۱۳۸۰)، «سیاست خارجی آفریقای جنوبی بعد از ماندلا»، ترجمه گروه مطالعات آفریقا، مطالعات آفریقا، شماره ۳.

ندبله، نجاب‌لوس (۱۳۷۸)، «آفریقای جنوبی مصالحه‌ای بی‌نظیر»، علوم اجتماعی، پیام یونسکو، ۳۱ (۳۳۵).

نصیری، معصومه (۱۳۸۳)، «سنجش شاخص‌های توسعه انسانی در آفریقای جنوبی از منظر نژاد و جنسیت»، مطالعات آفریقا، شماره ۹.

هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

- Ackerman, P. and DuVall, J. (2000), *A Force More Powerful: A Century of Nonviolent Conflict*, New York: St. Martin's Press.
- Arthur, P. (2009, May), How "Transitions" Reshaped Human Rights: A Conceptual History of Transitional Justice, *Human Rights Quarterly*, 321-367.
- Barber, J. and Barratt, J. (1990), *Outh Africa's Foreign Policy: The Search for Status and Security, 1945-1988*, New York: Cambridge University Press.
- Crocker, D. (2000), *Truth Commissions, Transitional Justice, and Civil Society*, Princeton University Press, 99-121.
- Elster, J. (2006), *Retribution and Reparation in the Transition to Democracy*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Giddens and Anthony (1984), *The Constitution of Society*, London: Polity.
- Gross, A. (2004), The Constitution, Reconciliation, and Transitional Justice: Lessons from South Africa and Israel, *Stanford Journal of International Law*, 47-104.
- Jeffrey, A. and Jakala, M. (2015), Using courts to build states: The Competing spaces of citizenship in transitional justice programmes, *Political Geography*, 43-52.
- Keskin Zeren, A. (2014), *Iraq's De-Ba`thification: Rationales and Implementation of a Contested Transitional Justice Mechanism*, Kent State University: ProQuest Dissertations Publishing.
- Kritz, N. (1995), *Transitional Justice: How Emerging Democracies Reckon With Former Regims*, Washington DC: U.S. Institute of Peace Press.
- Louw, E. P. (2004), *The Rise, Fall, and Legacy of Apartheid*. Westport: Praeger Publishers.
- Lundy, P., and McGovern, M. (2008), Whose Justice? Rethinking Transitional Justice from the Bottom Up, *Journal of Law and Society*, 35, 265-292.
- Mnookin, R. (2010), *Bargaining with the Devil: When to Negotiate, When to Fight*, New York: Simon & Schuster.
- Scanlon, H., and Muddell, K. (2009), Gender and transitional justice in Africa: Progress and prospects, *African Journal on Conflict Resolution*, 9(2): 9-28.
- Scanlon, H., & Muddell, K. (2009), Gender and Transitional Justice in Africa: Progress and Prospects, *African Journal on Conflict Resolution*, 9(2): 9-28.
- Seekings, j. (2000), *The UDF: a history of the United Democratic Front in South Africa, 1983-1991*, Athens, Ohio: Ohio University Press.
- Sparks, A. (1995), *Tomorrow is Another Country: The Inside Story of South Africa's Road to Change*, Chicago: University of Chicago Press.

Thanker Pratribha(2004), *Country Report: South Africa out Look for 2005-2006*, The Economic Intelligence Unit Limited.

Turner, B. (1992), *The Statesman's Yearbook, 2003*, Palgrave Macmilan.

Tutu, D. (2007), *The Words of Desmond Tutu*, New York: Newmarket Press.

van Zyl, P. (1999), "Dilemmas of Transitional Justice: The Case of South Africa's Truth and Reconciliation Commission", *Journal of International Affairs Editorial Board* *Journal of International Affairs Editorial Board*, 52(2): 647-667.

Zeren, A. (2014), *Iraq's De-Ba`Thification: Rationaies and Implementation of a Contested Transitional Justice Mechanism*, Kent: Kent State University.

